

آموزش فلسفه به کودکان راهی برای تعالی شخصیت کودکان

عطیه موحود یکتا^۱

^۱ کارشناسی ارشد فلسفه و کلام اسلامی، دانشگاه زنجان

چکیده

افزایش قدرت تفکر و استدلال عقلانی اصلی ترین هدف برنامه آموزش فلسفه به کودکان است که به موجب آن شخص قدرت تصمیم گیری و داوری و تمییز را پیدا می کند و شخصیت او رشد می کند و مردم سالاری در جامعه از کودکی در وی نهادینه خواهد شد. در آیات قرآن و در احادیث ائمه اطهار نیز تفکر از جایگاه والایی برخوردار است. در این مقاله ابتدا به توضیح اصول برنامه فلسفه برای کودکان می پردازیم، سپس جایگاه تفکر در اسلام بررسی می شود و بعد ناهنجاری ها و نواقص و کاستی های این برنامه در جوامع معنوی را مورد بررسی قرار خواهیم داد.

واژه های کلیدی: فلسفه برای کودکان، تفکر، استدلال عقلی، تعلیم و تربیت

مقدمه:

آموزش فلسفه به کودکان توسط یکی از فلاسفه ی معاصر به نام ماتیو لیپمن طراحی شد که هدف اصلی این برنامه رفع مشکلات و ضعف های بنیادی نظام تعلیم و تربیت رایج بود. فلسفه برای کودکان شاید تازه ترین و بزرگ ترین گامی است که با هدف تقویت و بالا بردن مهارت استدلال، داورى و قدرت تمییز برداشته شده است. این برنامه نمی خواهد موضوعات فلسفی را برای افراد غیر فیلسوف روشن کند و مسائل آن ها را حل کند بلکه می خواهد به شاگردان کمک کند تا خودشان کار فکری انجام دهند و مسائل خود را حل کنند. (لیپس، ۱۳۸۲: ۴۳)

پس هدف اصلی فلسفه برای کودکان افزایش قدرت تفکر و استدلال عقلانی در کودکان است. که این امر باعث رشد و تعالی شخصیت آن ها شده و آن ها را برای زندگی بهتر در جامعه و رویارویی با مشکلات آماده می کند. دین ما اسلام نه تنها با قدرت تفکر مخالفت نکرده بلکه در همه زمینه ها از آن یاری خواسته و به شکل خاص بر آن تکیه کرده است در حالی که دیگر ادیان قوه تفکر انسان را حتی در جزئی ترین مسائل راکد نگه داشته اند ولی اسلام خوان تفکر انسان را حتی در ساحت اصول عقیدتی گسترده و الزام داشته است که هر فردی مستقل صحت آن را در یابد.

عناصر اصلی فلسفه برای کودکان

برنامه ی فلسفه برای کودکان شامل چند عنصر اصلی است که عبارتند از: حلقه ی کندوکاو، کتاب های داستان و معلمان تغییر نقش داده.

لیپمن می گوید اگر بخواهیم کودکانمان در آینده به بزرگسالانی اندیشمند تبدیل شوند، باید آنها را تشویق کنیم تا کودکانی اندیشه ورز باشند و برای رسیدن به این هدف باید آنها را به بحث کردن تشویق نماییم. به همین دلیل، بخش مهمی از فلسفه برای کودکان شامل گفت و گوهای اندیشمندانه و شوق انگیز است (فیشر، ۱۳۸۵: ۲۷۲). برای رسیدن به این هدف، فلسفه برای کودکان در حلقه ای به نام حلقه ی کند و کاو تشکیل می شود که در این حلقه، بچه ها به صورت دایره وار کنار هم می نشینند و مربی نیز در کنار آنها قرار می گیرد. این شکل نشستن همچنین کمک می کند، بچه ها چشم در چشم به راحتی با یکدیگر صحبت کنند و بر خلاف کلاس های درسی عادی، با همدیگر تبادل نظر کنند. این نوع نشستن باعث می شود شرکت کنندگان بیشتر به صحبت کردن تشویق شوند.

کتاب های درسی به صورت مجموعه داستان است؛ داستان هایی که به گونه ای خاص طراحی شده اند. یکی از ویژگی های این کتاب ها این است که در ذهن کودک سؤال به وجود می آورند و آنها را برای کلاس های این برنامه به کندو کاو ترغیب می کنند. البته کتاب های راهنما و کمک مربی هم در کنار کتاب های داستان موجود است و به مربی کمک می کنند تا بحث های کلاس را به نحو لازم پیش ببرد.

فیلسوف دانستن کودکان

فلسفه برای کودکان، متفاوت با همه فلسفه های موجود، تعریفی از فلسفه ارائه داده و کودکان را هم جزء فلاسفه می پندارد. در هیچ مکتبی کودکان جزء فلاسفه نبوده اند ولی در این بازسازی از فلسفه، کودکان هم وارد این حیطه می شوند. در کلاس های فلسفه برای کودکان تمام تلاش این است که فلسفه را از کودکان بیاموزیم و اگر هم راهنمایی هایی انجام می شود صرفاً کمک به پیشرفت بهتر تحقیق های آنها باشد و نه یاد دادن مسائل فلسفی به آنها، در واقع کودکان هستند که به ما یاد می دهند مشکلات فلسفی را چگونه حل کنیم (خیریه، ۹۴: ۶).

از میان برداشتن حافظه محوری و توجه به قدرت قضاوت، داورى و پردازش:

آموزش و پرورش ما و بطور کلی آموزش و پرورش جهان، حافظه محور است، گرچه برای رفع این مشکل تلاش هایی هم می شود. در رویکر سنتی تعلیم و تربیت تلاش می شود که معرفت را به زور و از طریق کتاب و معلم وارد ذهن بچه ها

کنند. بچه ها در این زمینه فعال نیستند. یعنی هرچه نسل بزرگسال می داند وارد ذهن کودکان می کند. اما در پارادایم تأملی یا پارادایمی که فلسفه برای کودکان برای تعلیم و تربیت ارائه می دهد چنین چیزی نیست. در این پارادایم هدف تعلیم و تربیت تقویت قدرت داوری و قضاوت کودکان است نه دادن اطلاعات انبوه به آنها. در واقع به آنها قدرت داوری می دهند تا خودشان پاسخ پرسش های فلسفی خود را پیدا کنند. قدرت پردازش دانش آموزان هم در اینجا مورد توجه قرار می گیرد (ناجی، ۱۳۸۲: ۲۸).

ساخت گرایانه و عینی بودن تعلیم و تربیت:

در این الگوی جدید، تعلیم و تربیت ساخت گرایانه و تا اندازه ای هم عینی گرایانه است. این برنامه می خواهد کودکان، خودشان علم را در ذهنشان بسازند، در حالی که ما می خواهیم علم را به زور وارد ذهن آنها کنیم. به طور کلی استدلال، معنا سازی، مفهوم سازی و مهارت های جمعی در آموزش های فلسفه برای کودکان اهمیت داشته و بر آموزش سه نوع تفکر تأکید می شود: تفکر انتقادی، تفکر خلاق و تفکر همدلانه. تحقیقات روانشناسی در این زمینه نشان داده که استعداد های کودکان در مسیر کشف و کندوکاو خیلی بیشتر از بزرگسالان است و به راحتی می توانند تفکر درجه دو را داشته باشند، یعنی فکر درباره فکر.

حال چون اساس فلسفه برای کودکان بر ایجاد تفکر است لازم است چگونگی ایجاد تفکر را بررسی کنیم.

چگونگی ایجاد تفکر

تفکر وقتی شروع می شود که کودک با مسئله یا مشکلی برخورد کند و نتواند راه حل ثابت و مشخصی را در تجربه های قبلی خود پیدا کند، در این صورت باید فعالیت نماید تا راه حل مناسبی را بیابد و با اجرای آن، مشکل خود را از میان بردارد. تشخیص مسئله یا مشکل نیز مستلزم تفکر است و چنانچه نتوانیم مسئله یا مشکل خود را درست تشخیص دهیم نیروی خود را بیهوده صرف کرده ایم و زحمات زیادی از ما به هدر خواهد رفت. پس ایجاد تفکر مستلزم ادراک، درگیر کردن حافظه و مرتبط کردن افکار با یکدیگر است (امامی، ۹۲: ۷۵).

روش های تفکر صحیح

دانش و معلومات، فن بیان، عزت نفس و خودباوری مبانی تفکر هستند. کودکانی که دارای اعتماد بنفس بالا بوده براحتمال از توانمندی های شناختی خود بهره می برند. احساس آرامش و امنیت نیز باعث ایجاد تفکر صحیح می شود. در واقع تفکر صحیح همان استفاده درست از تجارب، آموخته ها، اطلاعات و توانمندی های ذهنی و شناختی در جهت مقابله مؤثر با شرایط گوناگون است.

فرد از طریق توانمندی های تفکر در شرایط متفاوت، برخورد صحیحی خواهد داشت. برای رشد تفکر باید به شناسایی و تقویت مؤلفه های تفکر پرداخت. برای تقویت تفکر باید شیوه یادآوری به کودک آموزش داده شود. پرسیدن سوالاتی از خاطرات کودک، یکی از روش های کمک به تأمل اندیشیدن بهتر است. از موانع پیش روی شکل گیری روند تفکر در کودک، نداشتن تمرکز است که انجام بازی های فکری، توجه کودک را به جزئیات جلب کرده و باعث تمرکز ذهنی او می شود.

یکی از توانایی های تفکر، تشخیص تفاوت ها و شباهت هاست. برای درک درست این موضوع بهتر است تفاوت های اشیاء و عناصر داستان از کودک پرسیده شود و تفاوت ها و شباهت هایی که او به آن ها توجه نکرده است یادآوری گردد. (شعبانی، ۸۲: ۶۴).

آثار بهره‌گیری از تفکر در زندگی کودکان

حال باید پرسید، داشتن روحیه فکر کردن چه تأثیری در روحیه و آینده کودک خواهد گذاشت؟ کودک با به کار انداختن قوه تفکر خود می‌آموزد که چگونه بطور سنجیده به دلایل استدلال کند و توانایی فکری خود را تقویت کند و بدین ترتیب در زمانهای حساس تصمیم‌گیری‌های مناسبی اتخاذ نماید. در ادامه زندگی و در برخورد با مشکلات، این کودک دیروز و نوجوان و جوان امروز با تمرینی که در مهارت حل مسئله داشته، آموخته است چگونه راه چاره‌ی برای مشکلات خود بجوید و آن را حل کند. این فرد که اکنون جوانی بالنده شده، آموخته است که همچنان او در ذهن خود روشهای مختلفی برای یک مسئله دارد و افراد پیرامونش هم اینگونه هستند، از اینرو تفاوت سلیقه‌ها را بر میتابد و هیچوقت عقاید خود را مستبدانه به دیگران تحمیل نمیکنند؛ از طرفی به دیگران هم این اجازه را نخواهد داد. چرا که برای آزادی افکار ارزش قائل است. چنین فردی، دیگر در مواجهه با صحنه‌های مختلف اجتماعی و فرهنگی، دچار باورهای غیراصولی نخواهد شد؛ چراکه آبخور ذهن او منابع اصیل و متقن هستند و در نتیجه به صحیح‌ترین انتخابها رهنمون خواهد شد. او در تهاجم فکری - فرهنگی، توانایی تجزیه و تحلیل زوایای آن را خواهد داشت و دیگر اینگونه نخواهد بود که چشم و گوش بسته افکار مسموم با ظاهری زیبا، وی را بفریب و در دام زودباوری و ظاهر فریبیها بیافتد. چنین فردی که در صحنه جامعه به یک انسان مسئولیت پذیر تبدیل شده است، مسئولیت تصمیمات خود را بر عهده میگیرد و از اینرو دقتهای لازم را در تصمیم‌گیریهایش لحاظ میکند.

به طور کلی اهداف برنامه فلسفه برای کودکان را می‌توان اینگونه خلاصه کرد:

- تقویت مهارت‌های تفکر چندگانه (خلاق، انتقادی و مراقبه‌ی) در کودکان و نوجوانان
 - آغاز تربیت عقلانی از همان دوران کودکی
 - تأکید بر اندیشه ورزی بجای حافظه محوری
 - تقویت و زنده نگه داشتن روحیه پرسشگری
 - تشویق به مستدل صحبت کردن
 - تشویق به مستقل اندیشیدن و تصمیم گرفتن
 - تشویق به گوش دادن فعال و همراه با دقت
 - ایجاد ارتباط میان اندیشه و عمل و تشویق به تجربه مستقیم امور
 - تشویق به بحث و گفتگو
 - تربیت افرادی معقول و پژوهشگر (صفایی مقدم، ۸۸: ۵۱)
- مفاهیم محوری که در فلسفه برای کودکان وجود دارد این است که ما بتوانیم معقولیت و مردم‌سالاری را به صورت بنیادی، و نه به صورت اجبار، در کودکان نهادینه کنیم. یعنی از کودکی اجازه دهیم که کودکان مردم‌سالاری را در کلاس‌ها تمرین کرده و این امر در درونشان نهادینه شود.

آموزش تفکر در اسلام

در زمینه آموزش تفکر در اسلام، اندیشمندان اسلامی ضمن آنکه سفارش می‌کنند اندیشه و علم، دو عنصر اساسی زندگی فردی و اجتماعی است، به پرورش نیروی فکر و آموختن علم، متناسب با توانایی‌های افراد توجه دارند. اندیشمندان اسلامی در آموزش دینی با الهام از آموزه‌های قرآن، تأکید فراوانی بر ارزش تفکر دارند و معتقدند تربیت اسلامی، همه توان خود را در راه رشد و تعالی اندیشه آدمی به کار گرفته است. بنابراین اسلام به اندیشیدن توجه کامل دارد و در موارد متعدد، مردم را به تفکر دعوت کرده است، به گونه‌ای که می‌توان اسلام را طرفدار تفکر و تعقل خواند (سلطان‌القرائی و سلیمان نژاد، ۱۳۸۷: ۱۸۴).

قرآن مجید در موارد گوناگون به تفکر توجه کرده است. برای نمونه می توان به موارد زیر اشاره کرد: قرآن کریم به شکل های مختلف، جایگاه بلند اندیشمندان و دانشمندان را یادآوری کرده است:

آیا آن کس که شب و روز به کفر و عصیان مشغول است، بهتر است یا آن کس که ساعات شب را در طاعت خدا به سجود و قیام پردازد و از عذاب آخرت، ترسان و به رحمت الهی امیدوار است؟ بگو آیا آنان که اهل علم و دانش اند با مردم جاهل و نادان یکسان اند؟ منحصر خردمندان متذکر این مطلب اند (زمر، ۹).

قرآن کریم در سوره مجادله آیه ۱۱ می فرماید: «ای اهل ایمان، هرگاه شما را گفتند که در مجالس خود جای را (بر یکدیگر) فراخ دارید، جای باز کنید و برای نشستن مکان بالاتر و نزدیک تر به پیغمبر تنازع و تزاخم نکنید) تا خدا بر توسعه (مکان، مقام و منزلت) شما بیفزاید و هرگاه گفتند که از جای خود (برای توسعه مجلس یا کار خیر دیگری بر خیزید، برخیزید، تا خدا مقام اهل ایمان و دانشمندان شما را در دو جهان) رفیع گرداند و خدا به هر چه کنید، به همه آگاه است).

آیاتی نیز در قرآن، انسان را به اندیشیدن در آفرینش و تفکر در خودشان دعوت کرده است که به برخی از آنان اشاره می کنیم: «آنها که در هر حال، ایستاده و نشسته و خفته خدا را یاد کنند و دائم در خلقت آسمان و زمین بیندیشند و گویند: پروردگارا، تو این دستگاه با عظمت را بیهوده نیافریده ای، پاک و منزهی، ما را به لطف خود از عذاب دوزخ نگهدار» (آل عمران، ۱۹۱).

افزون بر آیات قرآن، احادیث نیز مردم را به تفکر فرا می خواند و تفکر را حتی به عنوان یک عبادت، بلکه بهترین عبادت ها معرفی می کند. برای مثال: حضرت علی(ع) می فرماید: «تَبَهَّ بِالْتَفَكُّرِ قَلْبِكَ وَ جَافَ عَنِ الْإِلِّ جَنَبِكَ وَ اتَّقِ اللَّهَ رَبَّكَ» به وسیله تفکر، قلبت را بیدار کن و در شب، پهلویت را از بستر جدا ساز و تقوای پروردگارت را پیشه ساز» (مطهری، ۱۳۷۲: ۱۰).

نواقص و کاستیهای فلسفه برای کودکان در جوامع معنوی

همانطور که قبلاً گفته شد برنامه آموزش فلسفه و یا تفکر به کودکان، هدف اصلی خود را تقویت اندیشه ورزی و خردورزی در کودکان میداند و از آنجایی که یکی از ویژگیهای عقل در اندیشه اسلامی، نفوذ پذیری آن است و بواسطه این ویژگی است که انسان از فرهنگ حاکم و محیط اثر میپذیرد، حال چه در زمینه جهانبینی و تبیین هستی و چه در زمینه ایدئولوژی و ارزشها، تحت تأثیر دیگران، فرهنگ، حکومت و اوضاع سیاسی حاکم بر آن جامعه قرار میگیرد.

بر این اساس است که برنامه های درسی و پرورشی جوامع مادی با برنامه های بکار گرفته شده در جوامع معنوی، تفاوت بنیادی دارد. اگر جامعه یی که ادعای اعتقاد به مذهب و معنویت دارد، بنای کار خود را بر تقلید از برنامه های درسی جوامع مادی بگذارد، بی تردید دچار تناقض خواهد شد و به بن بست خواهد رسید. البته حرکتی که لیپمن و همکارانش در راستای گسترش خردورزی و اندیشه ورای آغاز کرده اند، قابل تحسین است، اما برای ما که در جامعه ای مبتنی بر فرهنگ اصیل اسلامی - ایرانی زندگی میکنیم و اعتقادات دینی در جای جای زندگیمان متجلی است، عین تجربه جهانی را منتقل کردن مناسب نیست؛ بلکه تجربه آنها میتواند دستمایه می باشد که بر اساس آن، برنامه یی مفید و راهگشا و متناسب با فضای فرهنگی و اجتماعی خود پی ریزی کنیم.

چراکه برنامه مذکور دچار نواقص و کاستیهایی است و از آن جمله، شیوه اتخاذ شده توسط آن است که کاملاً در مقابل شیوه بکار گرفته شده در نظام آموزش و پرورش سنتی قرار گرفته است، افراط آموزش و پرورش سنتی که فقط بر حفظ و تکرار معلومات شخص استوار است و به ذهن کودکان بعنوان مخزنی که مطالب را بطور ماشینی دریافت میکند، می نگرد و به ندرت مهارتهای تفکر در کودکان را پرورش می دهد، همانقدر خطاست که تفریط فلسفه برای کودکان در باز گذاردن بحثهای کلاسی بگوته یی که به نسبت گرای منجر شود.

در این شیوه، نقش معلم بسیار کمرنگ شده، تا آنجایی که در برابر پاسخهای گوناگون کودکان، منفعل است و هر نوع رأی و عقیده را میپذیرد و کودکان را در وادی کثرت گرایی و نسبت گرایی، بدون رسیدن به وحدت و اتفاق نظر، رها میکند. (خلعت بری، ۹۳: ۶۵)

بنابراین، در جریان گفتگوها و پرسش و پاسخها، تعریفی جامع و مانع ارائه نمیشود. چرا که معتقدند فلسفه، در راه رسیدن به قله حقیقت است نه رسیدن به قله (سقراط) اما سؤالاتی که در قرآن و داستانهای آن مطرح است، اصلاً بگونه‌ای نیست که در پایان، احساس بلاتکلیفی به انسان منتقل سازد. چراکه قرآن، برای یافتن پاسخ بدرستی به مخاطب سمت و سو را نشان میدهد و مرجع مشخصی برای مراجعه و یافتن پاسخهای محکم و متقن است. بنابراین، سرگردانی و بلاتکلیفی نتیجه‌ای است که در بسیاری از موارد، بر ذهن جستجوگر و کنجکاو کودک عارض میشود و او خود را در این وادی، رها و در جستجوی پاسخ میبیند.

در اسلام، عقل علاوه بر اینکه از جایگاهی خاص و ممتاز برخوردار است، در عین حال دارای نواقصی است که برای جبران این کاستیها و محدودیتها، در مقابل این پیامبر درونی، وحی، معنویت و پیامبر بیرونی ارائه شده است و عقل با مددگرفتن و همراهی با نقل است که میتواند برای انسان راهنما و راهگشا باشد. بنابراین، نیازمندی عقل که ناشی از محدودیت آن میباشد، میتواند از طریق اتصال با خالق و البته ارتباط با واسطه و از طریق وحی و نبی با ذات اقدس الهی، مرتفع گردد. اما در برنامه مذکور، بمنظور جبران این نقیصه، راه حل مناسبی ارائه نشده است که این اشکال نیز ناشی از جهانبینی خاص غربی میباشد. بنابراین، نسخه پیچیده شده توسط غربیان که بر مبنای عقل منهای معنویت بنا شده است، نه تنها کاربردش (بدون اعمال تغییرات لازم) در جامعه ما که مبتنی بر دستورات وحی میباشد. مطلوب و مناسب نیست، بلکه اصلاً به نفع نوع انسان نیز نمیباشد. چراکه فطرت انسان بر کمال خواهی و اتصال به سرچشمه هستی بنا شده است و اگر این پیوند و ارتباط گسسته شود، نتیجه‌ای جز سرگردانی و پریشانی در پی نخواهد داشت. (ملکی، ۱۳۸۴: ۳۴)

نتیجه گیری:

مقتضیات زمان ما شامل مشکلات هویتی و اخلاقی در جوانان و نوجوانان و همین طور مسائل علمی می شود که با توجه به افزایش سریع اطلاعات و داده ها در زمینه های علمی، دیگر دادن اطلاعات علمی به کودکان و نوجوانان در مدارس ارزش خود را از دست داده است. ولی آموزش و پرورش در گذشته و حال حاضر بر این امر پافشاری می کند و تنها حافظه ی کوتاه مدت کودکان را تقویت می کند ولی برنامه ی فلسفه برای کودکان به کمک افزایش قدرت تفکر و استدلال عقلانی در کودکان، آن ها را مجهز به قدرت داوری و تمیز می کند و اعتماد به نفس را در آنها بالا می برد و به آنها در حل بحران ها و مشکلات جامعه یاری می رساند. با این وجود در جامعه ی متمدن و با فرهنگ ایران و اسلامی ما امید است که بتوان با تکیه بر منابع غنی اسلامی و با بهره گیری از سرمایه های فرهنگی و مستندات تاریخی خود و با همفکری متخصصان و صاحب نظران و نیز با الهام گرفتن از الگوی ارائه شده توسط نظریه پردازان غربی، به تدوین بسته های آموزشی برای برنامه مذکور که متناسب با فرهنگ حاکم بر جامعه باشد دست یافت.

منابع:

- ۱- قرآن کریم
- ۲- امامی، مرضیه، نقش تفکر در رشد شخصیت کودک، فلسفه و کودک، تابستان ۱۳۹۲.
- ۳- بهشتی، سعید، روش های تربیت عقلانی در سخنان امام علی (ع). فصلنامه تربیت اسلامی، ۱۳۷۹.
- ۳- خیریه، زهرا، فلسفه و تعلیم و تربیت، فصلنامه و باور فلسفی، ۱۳۹۴.
- ۴- خلعت بری، حسام الدین، ارزیابی اهداف برنامه آموزش فلسفه برای کودک، فلسفه و کودک، ۱۳۹۳.
- ۵- رابرت فیشر، آموزش تفکر به کودکان، ترجمه دکتر صفایی مقدم، نشر رسمش، تهران، ۱۳۸۵.
- ۶- سلطان قرائی، خلیل و اکبر سلیماننژاد، تفکر انتقادی و ضرورت آموزش آن، فصلنامه تربیت اسلامی، ۱۳۸۷.
- ۷- شعبانی، حسن، روش تدریس پیشرفته (آموزش مهارتها و راهبردهای تفکر)، انتشارات سمت، ۱۳۸۲.

- ۸- صفایی مقدم، مسعود، بررسی و تحلیل نهضت آهستگی و آنچه برای نهضت فلسفه برای کودکان در اختیار دارد، فصلنامه فرهنگ، ۱۳۸۸.
- ۹- صمدی، احمد، آموزش فلسفه برای کودکان و نوجوانان و تربیت فرزند، فصلنامه علوم تربیتی، ۱۳۹۵.
- ۱۰- غیائی، زاهد، جایگاه تفکر و اندیشه در قرآن کریم، مجله گلستان قرآن، ش ۷۵، ۱۳۸۰.
- ۱۱- لیپمن، ماتیو، فلسفه برای کودکان و نوجوانان، کتاب ماه ادبیات و فلسفه، ترجمه سعید ناجی، ۱۳۸۲.
- ۱۲- همان، فلسفه برای کودکان و رویکردی جدید در فلسفه تعلیم و تربیت، فرهنگ، ۱۳۸۸.
- ۱۳- مقتدایی، لیلا، امیری، مجید، جایگاه و اهمیت تفکر انتقادی از دیدگاه قرآن، علوم اجتماعی ۱۳۹۵.
- ۱۴- مطهری، مرتضی، تعلیم و تربیت در اسلام، انتشارات صدرا، ۱۳۷۹.
- ۱۵- ملکی، حسن، تعلیم و تربیت اسلامی، تهران، انتشارات عابد، ۱۳۸۴.
- ۱۶- ناجی، سعید، بررسی نتایج برنامه ی فلسفه برای کودکان روی مهارت های استدلالی مقاله علمی پژوهشی، زمستان ۸۶.
- ۱۷- ناصری، اسما، نقش آموزش فلسفه به کودکان در رشد خلاقیت، علوم تربیتی، ۱۳۹۶.